

# مارگزیده و ریسمان سیاه و سفید

سیده حسنا پیروان  
خبرنگار گروه جهان شهر

۲۲ سال پیش که چینی ها خلبان یک جنگنده آمریکایی را مجبور به فرود اضطراری در خاک چین کردند و ۱۱ روز او را در بازداشت نگه داشتند، این دیدگاه در دولت بوش تقویت شد که چین دشمن اصلی بعدی آمریکا است اما صبح روز ۱۱ سپتامبر، القاعده با کوباندن هواپیما به مرکز تجارت جهانی در نیویورک و پنتاگون در ویرجینیا ناگهان توجه آمریکا را به سمت «جنگ علیه تروریسم» معطوف کرد. نیروهای ایالات متحده در افغانستان و غرب آسیا مستقر شدند و چالش ایجاد شده توسط چین برای نزدیک به دو دهه کنار گذاشته شد تا چین از این فرصت استفاده کند و تولید ناخالص داخلی اش را از ۱٫۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۱۴٫۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش دهد. ۲۲ سال پیش چین هیچ شانس برای به چالش کشیدن ارتش ایالات متحده در تنگه تایوان نداشت و برنامه ریزان پنتاگون می توانستند تقریباً بر برتری هوایی کامل و توانایی انتقال ناوهای هواپیمابر به سواحل شرقی تایوان حساب کنند اما اکنون چین کشتی های دریایی جدید، هواپیماهای جنگی، سلاح های سایبری و فضایی و زرادخانه عظیم موشک های بالستیک و کروز دارد که برای تضعیف نیروی دریایی و هوایی ارتش ایالات متحده طراحی شده اند. عملیات «طوفان الاقصی» و به دنبال آن درگیری های مقاومت اسلامی در منطقه با رژیم صهیونیستی می تواند آمریکا را یک بار دیگر در شرایط انتخاب قرار دهد که آیا همچون سال ۲۰۰۱ باید وارد باتلاق غرب آسیا شود یا اینکه تلاش کند از سطح تنش ها بکاهد؟

با وجود دخالت مستقیم آمریکا در جنگ غزه و برعهده گرفتن فرماندهی میدان، واشنگتن تلاش کرد مشابه سال ۲۰۰۱ در منطقه رفتار نکند و از توسعه هر شکلی از درگیری خودداری کند. برای درک چرایی این تصمیم باید دید تجربه دو دهه پیش چه بر سر آمریکا آورد؟

درست در همان روزهایی که آمریکا بر جنگ در افغانستان متمرکز بود، در سوی دیگر میدان چشم پادامی های چینی خود را برای نفوذ عمیق در بازار تجارت جهانی آماده می کردند. به گفته محبویانی، نویسنده کتاب «آیا چین پیروز شد؟» و یکی از اعضای برجسته دانشگاه ملی سنگاپور «درحالی که آمریکا مشغول جنگ بود، چین مشغول تجارت بود.» چین به عنوان جدی ترین رقیب اقتصادی آمریکا در آن سال رشد اقتصادی ۸۰۵ درصدی را تجربه کرد و با درگیری بیشتر آمریکا در جنگ های خاورمیانه و بحران مالی سال های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ رکورد بیشترین میزان تولید ناخالص داخلی خود را به ثبت رسانید و به رشد اقتصادی ۱۳۲ درصدی رسید. در سال های نخست بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، بزرگترین و یکی هفته نامه اقتصادی چین در گزارشی به درستی مدعی شد که «بهبود وضعیت اقتصادی آمریکا به زودی امکان پذیر نخواهد بود» و این فرصت به شدت بر «رشد اقتصادی چین» تاثیر خواهد داشت. از سال ۲۰۰۱ تاکنون میزان رشد اقتصادی چین میانگین ۱۰ درصد بوده و این رقم درحالی است که از همان سال تاکنون بیشترین میزان رشد اقتصادی ایالات متحده ۵٫۹ درصد بوده است. درگیری آمریکا در جنگ های خاورمیانه به چین این فرصت را داده بود تا بدون توجه و مزاحمت آمریکا به برنامه های اقتصادی، علمی و نظامی اش بپردازد. با این حال در گزارش راهبردی امنیت ملی آمریکا که در سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر شد، بوضوح تحولی عظیم در سیاست های آمریکا در قبال چین دیده می شد. طی این گزارش آمریکا به علت درگیری در خاورمیانه و نیاز به برقراری روابط با چین خواستار روابط سازنده با پکن شد و این چرخش ضلعی درحالی به وقوع پیوست که در سال ۲۰۰۱ و قبل عملیات ۱۱ سپتامبر پکن اعلامی ترین دشمن آینده آمریکا لقب گرفته بود. همان طور که ایالات متحده در مبارزه در افغانستان، عراق و جاهای دیگر گرفتار شده بود، قدرت اقتصادی و نظامی چین به طور تصاعدی افزایش یافت. چین در روزهایی که هزینه های دفاعی اش را در غرب اقیانوس آرام افزایش و نیروی دریایی خود را توسعه می داد، پنتاگون ارتشش را برای مقابله با شبه نظامیان مسلح به AK-۴۷ (کلاشینکف) در خاورمیانه گرفتار کرده بود. کارشناسان غربی می گویند پکن زرادخانه موشکی خود را ایجاد کرد، با ساخت جزایر مصنوعی، دامنه نفوذ خود را در دریای چین جنوبی افزایش داد، مالکیت معنوی را در مقیاس وسیع به سرعت برد و تکنیک های تجاری غارتگرانه را دنبال است.

چین درست در زمانی از یک اقتصاد درحال توسعه به اقتصاد برتر جهان تبدیل شد که آمریکا ناچار بود برای درگیری هایش هزینه کند. براساس گزارش پروژه Costs of War در دانشگاه براون، ایالات متحده حدود هشت تریلیون دلار برای جنگ در افغانستان و عراق و سایر جبهه های مبارزه با تروریسم هزینه کرده است. به گفته جیمز لوتیس، معاون ارشد اندیشکده مطالعات استراتژیک و بین المللی «این پول می توانست صرف تحقیق و توسعه، نوسازی زیرساخت های کشور، ساخت تسلیحات با فناوری پیشرفته و همه کارهایی شود که می توانستیم در ۲۰ سال گذشته انجام دهیم.» زمانی که باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ وارد کاخ سفید شد، مقامات از نیاز به شکل گیری یک «محور» برای تمرکز بیشتر روی مقابله با چین تاکید کردند اما تحکرات جنگی متزلزل در افغانستان و آشفتنگی در خاورمیانه توجه واشنگتن را از چین دور کرد. این روند تا جایی ادامه یافت که در سال ۲۰۱۶ و سال های بعد از آن چین بالاترین سهم از تولید ناخالص جهان را به خود اختصاص داده و ایالات متحده در جایگاه دوم قرار گرفت. با توجه به قدرت لایه صهیونیستی در



آمریکا، جنگ غزه می توانست پای آمریکا را مجدداً به یک درگیری پرهزینه و البته بسیار وسیع تر از عراق و افغانستان باز کند. شاید از همین رو بود که جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در روزهای نخست جنگ راهی سرزمین های اشغالی شد تا به بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی و صهیونیست ها بفهماند که قرار نیست آمریکا رفتارهایی شبیه سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ از خود بروز دهد. او پس از بازگشت از اسرائیل گفت که من در یوز در اسرائیل گفتم وقتی آمریکا دواخ ۱۱ سپتامبر را تجربه کرد، ما هم احساس «خشم» کردیم. بایدن با این ادعا درحالی که به دنبال «اجرای عدالت» بودیم و به آن هم رسیدیم، «مرتبک اشتباهاتی هم شدیم». او تلویحاً به طرف صهیونیست گفت که نه تنها انتظاریک «خشم» دیگر از آمریکا را نداشته باشد که رژیم نیز از بروز «خشم کورگورانه» بپرهیز کند. دولت بایدن به خوبی به این نکته پی برده بود که اگر خروجی ماجراجویی های سال ۲۰۰۱، سربرآوردن یک غول چینی بود، درگیری جدید در منطقه، زمینه ساز تقویت و رشد بیش از پیش رقیبی همچون چین و روسیه خواهد شد.

## اقتصاد جهان زیر سایه جنگ

اولین تاثیرات گسترده جنگ فلسطین و رژیم صهیونیستی در قیمت انرژی نمودار شد. در سایه این جنگ قیمت نفت و گاز افزایش قابل توجهی پیدا کرد و به ۹۰ دلار در هر بشکه نزدیک شد. افزایش قیمت نفت خام به طور مستقیم افزایش قیمت مشتقات نفتی را به دنبال داشت. به دنبال افزایش قیمت مشتقات نفتی از قبیل بنزین، گاز و گازوئیل هزینه های زندگی در اروپا و ایالات متحده افزایش یافته و این امر تورم بیشتری را برای شهروندان آمریکا به همراه داشته است. اگر این جنگ با دخالت آمریکا همراه می شد، تقاضای بین المللی برای انرژی افزایش چشمگیری پیدا می کرد و قیمت هر بشکه نفت را به بیش از ۱۰۰ دلار نیز می رساند. ناامنی و هرج و مرج به دلیل توسعه جنگ، در بازار تامین نفت خاورمیانه، منجر به افزایش تقاضا برای نفت روسیه می شد و از این رهگذار روسیه این فرصت را پیدا می کرد تا با صادرات بیشتر نفت و گاز اقتصاد تحریمی خود را از بحران خارج کند. البته وضعیت فعلی هم تا حدودی به کمک روسیه آمده است. به باور استفان والت، نظریه پرداز روابط بین الملل درگیری آمریکا در جنگ خاورمیانه، واشنگتن را از برنامه ایجاد «جنگ اقتصادی علیه چین» باز داشته است و چنین امری فرصت را برای ایجاد «بده دو دخالت های آمریکا به رشد اقتصادی خود برده است. همچنین ناامن شدن بازار تامین نفت خاورمیانه چین و روسیه را برای خرید و فروش نفت و پیگیری اهداف مشترک سیاسی و اقتصادی به یکدیگر نزدیک تر می کند تا به عنوان مهم ترین رقبای آمریکا با یکدیگر متحد شوند.

نامانی منطقه و تداوم آن علاوه بر تغییر بازار تامین نفت جهان، کریدورهای اقتصادی را هم تحت تاثیر قرار می دهد. طرح «الدان ای مک» که بناس هند را از طریق خلیج فارس به رژیم صهیونیستی و از طریق آن به اروپا برساند، اصلی ترین طرح مقابله ای آمریکا با اینکار «کمربند و جاده» چین است. نامانی منطقه و احتمال تداوم آن، اجرای این کریدور را تقریباً ناممکن می کند.

به محاق رفتن این طرح منجر به رونق کریدور چینی می شود. «کمربند و جاده» که از سمت سواحل چین و از طریق دریای چین جنوبی و اقیانوس هند به اروپا و از سوی دیگر سواحل چین را به اقیانوس آرام جنوبی می رساند، در پی اجرایی نشدن جدی ترین طرح رقیب خود بیش از پیش چین را در جهت رسیدن به اهداف اقتصادی خود و تبدیل شدن به قدرتی هژمونیک در آسیا کمک می کند.

## اوکراین در حاشیه

جنگ روسیه و اوکراین، پای آمریکا و همپیمانانش را به جنگ نیابتی علیه روسیه باز کرد تا از این طریق قدرت روسیه را بدون درگیری مستقیم به شدت تضعیف کنند. پس از عملیات طوفان الاقصی و حملات رژیم اشغالگر، توجه و حمایت آمریکا و غرب به طور جدی متوجه اسرائیل و بحران خاورمیانه شده و جنگ اوکراین و شرایط سخت کیف به حاشیه رانده شده است. مجلس نمایندگان آمریکا در همین راستا، لایحه کمک ۱۴۳ میلیارد دلاری به اسرائیل را تصویب و اعلام کرد این لایحه شامل کمک به اوکراین برای مقابله با حمله روسیه نشده است، یعنی مجاری که تاکنون مهم ترین حامی ژلنسکی در برابر پوتین بود، حالاً نه تنها باید بین اوکراین و رژیم صهیونیستی تقسیم شود، بلکه مجبور است تمام توانش را صرف حمایت از همپیمان صهیونیستش کند. ورجین رومر، کارشناس مسائل روسیه و اوراسیا، فاجعه جنگی در غزه را «هدیه ای برای پوتین» خواند؛ چراکه همه توجه ها را از روسیه منحرف کرده است. از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین، رسانه های غربی با پوشش گسترده اخبار جنگ، مزاحمت بسیاری را برای روسیه به وجود آورده بود؛ این روزها اما توجه تمام رسانه ها و افکار عمومی جهان متوجه جنگ غزه است و روسیه فرصت را غنیمت شمرده و مشغول تدابیر اقداماتش در خاک اوکراین است. ویونیوز در گزارش هایی هشدار داده که ارتش روسیه مشغول «پیشروی در شرق اوکراین» است و در مرز تصرف شهر اودیسیفکا است.

## جایگزینی قدرت های جدید

علاوه بر تبعات اقتصادی دخالت آمریکا در جنگ غزه برای واشنگتن و منافع آن برای رقبای این کشور به ویژه چین و روسیه، پکن و مسکو این فرصت را پیدا می کنند تا در عرصه سیاسی و روابط دیپلماتیک منطقه نیز به ایفای نقش جدید بپردازند. چین که با برنامه ریزی و اهداف بلند مدت در تلاش برای پایان دادن به سلطه هژمونیک آمریکا در جهان و منطقه است، حالا فرصتی یافته تا برخلاف ایالات متحده با دفاع از فلسطین، توجه و حمایت کشورهای منطقه را جلب کند. چین پیش تر هم در جریان از سرگیری روابط ایران و عربستان نشان داد که به دنبال تغییر نقش خود در منطقه است. جاناتان فاولن کارشناس شورای آتلانتیک بحران پیش آمده را «فرصتی برای امتیاز گرفتن چین از ایالات متحده» می بیند.

فاجعه کنونی در کنار چند دهه فعالیت و دخالت آمریکا در منطقه که حاصلی جز جنگ و خونریزی نداشته، می تواند چین را در پیشبرد طرح نظم نوین جهانی به رهبری پکن یاری کند. در حال حاضر کشورهای منطقه نسبت به آمریکایی اعتماد شده اند و تقریباً تمام متحدان واشنگتن، آمریکا را مقصر جنگ اخیر می دانند. در همین راستا شبکه خبری سی ان ان طی گزارشی از هشداری جدی دیپلمات های آمریکایی در کشورهای عربی به دولت بایدن پرده برداشت. سفارت آمریکا در عمان طی پیامی به واشنگتن اعلام کرد «عمان، آمریکا را مسئول همه جانبه جنگ می داند.» از سوی دیگر گسترش جنگ و درگیر شدن بیشتر ایالات متحده، کاهش تمرکز واشنگتن بر سایر کشورها و طرح های در منطقه را در پی دارد. کاهش تمرکز آمریکا کشورهای منطقه را به سمت جایگزین کردن منبع قدرت از طریق پوتین با چین و روسیه سوق می دهد. ناامیدی از ایفای نقش صلح توسط آمریکا در جنگ غزه



بسیاری از کشورهای منطقه را به سمت استفاده از قدرت روسیه و چین برای اجرای طرح های مصالحه آمیز برده است. نشست وزیران امور خارجه کشورهای عربی- اسلامی- که اکثر آنها از متحدان آمریکا به شمار می روند- در چین یکی از نشانه های پررنگ شدن نقش قدرت های دیگر در برابر آمریکا است. در این میان تنها کافی است کشورهای ذکر شده به دور از آتش جنگ و خونریزی و حتی بدون حمایت مادی جدی به بیان طرح های برای پایان یا کنترل جنگ بپردازند تا به بازیگران مهم منطقه تبدیل شوند. موقعیت در خطر ایالات متحده، از جمله محرک هایی بود که واشنگتن را به تحمیل طرح آتش بس سوق داد. روزنامه گاردین چهارشنبه گذشته آنچه را که «معامله گروگان ها، می خواند، فرصتی برای بایدن خواند تا تا حدی کند که این صلح موقتی دستاورد «تاثیر ایالات متحده بر رهبری اسرائیل» است.

## ۲۰۰۱، ۲۰۲۳ نیست

ادامه و گسترش جنگ به سایر کشورهای خاورمیانه علاوه بر ناامنی و آسیب های اقتصادی برای کشورهای منطقه بر عمق تمام معضلات یاد شده می افزاید و این امکان پذیر نیست مگر آنکه پای آمریکا نیز به این معرکه باز شود. در صورت وسعت یافتن دامنه جنگ، تهدد آشکار واشنگتن برای دفاع از رژیم صهیونیستی از یک سو بر دامنه تاثیرات غیرمستقیم مادی بر اقتصاد آمریکا می افزاید و از سوی دیگر ایالات متحده را مجبور می کند تا با صرف هزینه های مادی بیشتر از قبیل اعزام نیروی نظامی، تجهیزات و ادوات جنگی از حالت یک قدرت حامی صرف خارج شود و به یک نیروی حاضر در جبهه جنگ مستقیم تبدیل شود.

آمریکا از ابتدای جنگ پیام های آشکار و محرمانه ای به سایر گروه های مقاومت برای عدم مداخله در جنگ ارسال کرد و دو ناو جنگی خود را برای نشان دادن جدیت خود در حمایت از تل آویو به مدیترانه اعزام کرد تا اسرائیل به حسادگی نتواند دست به هر جنایتی در جبهه غزه بزند. پاسخ جبهه های متعدد مقاومت در لبنان، عراق و یمن و حتی زیر صربه بردن پایگاه های آمریکا در منطقه، آنقدر هوشمندانه بود که آمریکا را ناچار به تحمیل توافق و آتش بس موقت بر اسرائیل کرد. مقاومت به ویژه در عراق با هدف قرار دادن پایگاه های آمریکا در سوریه و عراق به واشنگتن این پیام را منتقل کرد که اجازه نمی دهد آمریکا بدون هیچ هزینه ای، بیرون رود و بدون هزینه، جنگ را مدیریت کند. تا پیش از اعلام آتش بس، مقاومت حداقل ۶۰ حمله به پایگاه های آمریکا را خبری کرده است. تبعات این حمله نیز باعث شد تا آمریکا که در یک ماه گذشته چندین بار با طرح آتش بس مخالفت کرده و به گفته سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان «مهم ترین آتش بس» بود، به آن تن در دهد. با دنظر گرفتن صرف هزینه های گسترده آمریکا در جنگ غزه و ناکامی اسرائیل در پیشبرد اهدافشان، شکی نیست که پذیرش این آتش بس گرچه می تواند مانع از صرف هزینه های مادی بیشتر برای آمریکا شود و اختلافات او با جهان بر سر مساله فلسطین را کاهش دهد، اما پذیرش از سر اجبار این طرح به مثابه اعلام شکست آشکار ایالات متحده در پیشبرد اهداف خود در منطقه است. در سال ۲۰۲۳ نه آمریکا قدرت بلانمانعه سال ۲۰۰۱ است و نه ایران و محور مقاومت را می توان با سال ۲۰۰۱ قیاس کرد. همه چیز در غرب آسیا تغییر کرده است؛ عقاب ها هم حتی اگر بخواهند از غرب آسیا عبور کنند، باید مراقب پریایشان باشند.

## انصارالله یمن: مقاومت در غزه باقی می ماند

سختگویی جنبش انصارالله یمن بعد از اجرایی شدن آتش بس در غزه گفت که مقاومت در غزه باقی خواهد ماند و دشمن چاره ای جز پذیرش شکست ندارد. به گزارش تسنیم، «محمد عبدالسلام»، جمعه بعد از اجرایی شدن آتش بس در نوار غزه اعلام کرد که ما به ملت فلسطین به دلیل پایداری و ایستادگی در کنار مقاومت برای رویارویی با متجاوزان تبریک و تهنیت می فرستیم. سختگویی جنبش انصارالله افزود که استقامت استثنایی ملت فلسطین اهداف دشمن صهیونیستی را خفتی و آنها را مجبور به پذیرش آتش بس با تمامی شروط مقاومت کرد. عبدالسلام خاطرنشان کرد که دشمن به هیچ یک از اهداف اعلام شده خود در این جنگ نرسید. سختگویی جنبش انصارالله اظهار داشت که مقاومت در غزه باقی خواهد ماند که در اس آن حماس قرار دارد و دشمن چاره ای جز پذیرش خسارت های راهبردی خود ندارد.

## النخاله: دشمن را مجبور به آزادی تمام اسرا می کنیم

دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین گفت که تا زمان آزادی باقی اسرای فلسطینی، باقی مانده اسیران دشمن اسرائیلی، آزاد نخواهند شد. به گزارش فارس، «زیاد النخاله» روز جمعه در اولین روز آتش بس موقت در غزه گفت که مقاومت، دشمن صهیونیستی را مجبور خواهد کرد تا در سطح گسترده تری به تبادل تمامی اسرا تهن دهد. او در یک سخنرانی تلویزیونی تاکید کرد: «باقی مانده اسرای دشمن، از افسران تا سربازان، بدون آزادی باقی اسرایمان، آزاد نخواهند شد و این مساله به پایان جنگ و تجاوز مرتبط می شود.» زیاد النخاله در ادامه گفت که رژیم صهیونیستی اگر در عرصه میدانی متحمل ضربه نمی شد، هرگز به تبادل اسرا تن نمی داد. دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین، سپس از حزب الله لبنان، مقاومت عراق، سوریه و یمن نیز یاد کرد و در ادامه گفت: «اهداف اعلامی دشمن که همان نابودی و شکست مقاومت است، هنوز پایرجاست و بر ما نیز واجب است تا به مبارزه تا شکست دشمن ادامه دهیم.»

## ناتو به دنبال ایجاد یک «شنگن نظامی»

رئیس لجستیک اروپایی ناتو از کشورهای اروپایی خواسته تا یک منطقه نظامی شنگن ایجاد کنند تا امکان جابه جایی سریع نیروها، تجهیزات و مهمات در صورت جنگ با روسیه فراهم شود. به گزارش ایسنا، ژنرال «الکساندر سولفرانک»، در مصاحبه ای با رویترز گفت: «ما داریم زمان را از دست می دهیم. کاری که در زمان صلح انجام ندیم، در صورت وقوع بحران با جنگ، آماده نخواهد بود.» وی که مسئول فرماندهی پشتیبانی و توانمندسازی مشترک ناتوی مستقر در آلمان است، تحکرات سربازان و تجهیزات این ائتلاف نظامی را در سراسر اروپا هماهنگ می کند. سولفرانک همچنین توضیح داد: «با اینکه این فرماندهی در سال ۲۰۲۱ برای تسهیل آمادگی ها برای یک جنگ احتمالی با روسیه تاسیس شد، کار آن هنوز به دلیل مقررات در سطح ملی نامیدکننده است.» وی افزود: «جابه جایی مهمات در سراسر مرزهای اروپا اغلب به مجهزهای ویژه نیاز دارد، درحالی که حمل و نقل بزرگ نیروها با تجهیزات ممکن است به اطلاع قبلی نیاز داشته باشد.»

## اشپیگل: اتمام پول آلمان برای کمک به اوکراین

اشپیگل نوشت، آلمان احتمالاً دارد به محدودیت توانایی مالی اش برای تامین کمک های نظامی به اوکراین نزدیک شود. به گزارش ایسنا، این نشریه همچنین نوشت، اخیراً ولودیمیر ژلنسکی، رئیس جمهور اوکراین نگرانی خود را بابت فقدان پیشرفت نظامی به دلیل کم شدن تمایل غربی ها به ارائه کمک های دفاعی به این کشور ابراز کرده بود. چند رسانه غربی اخیراً مدعی شده اند که خستگی در سراسر اروپا بابت جنگ اوکراین رو به رشد است. اشپیگل همچنین استدلال کرد که اعلام یک بسته جدید نظامی به ارزش ۱٫۳ میلیارد یورو از سوی بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان در جریان سفرش به کی یف، سولاتی را درباره وضعیت توانایی برلین در عمل به تعهدات موجودش درباره تامین تسلیحات بیشتر برای کی یف راه و وجود آورده است. همین روزنامه گزارش کرد، کمیته بودجه پارلمان آلمان جمعه گذشته تصمیم برای پیش نویس بودجه ۲۰۲۴ را تعلیق کرد.

# جهان شن

شنبه ۴ آذر ۱۴۰۲  
شماره ۴۰۱۶  
WWW.FDN.IR  
FARHIKHTEGANDAILY

